

## عنوان مقاله:

رهیافت فوکو از انسان و بازیافت همین انسان در گرافیک بعد از انقلاب اسلامی ایران مطالعه موردی یک طراح گرافیک ایرانی متأثر از جنبش های اجتماعی سه ده ه اخیر ایران

## محل انتشار:

اولین سمپوزیوم ملی روز جهانی گرافیک (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسندگان:

سیدمهران زارع - کارشناسی، کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری دانشگاه مازیار، مدرس دانشگاه آزاد سنندج

مریم ویسی - کارشناسی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری دانشگاه حکیم ناصر خسرو

## خلاصه مقاله:

فوکو مورخ استمرار و تداوم نیست. سعی وی جدا ساختن گذشته از حال است. تعابیری که او در این زمینه مطرح می نماید، بسیار گویاست: آغاز، انقطاع، بریدگی، تحول بنیادین، تغییر شکل، استحاله و ... . حال آنچه که در این مقال در میدان گفتگو قرار می گیرد، ماهیت انسان از آن تغییر شکل یافتگی و استحاله ی خاص فوکویی است؛ که به انسان از بعد هستی شناسی و فلسفی نمی نگرد و اساسا با این نوع برخوردها موافق نیست. وی به انسان به عنوان ابژه ی دانش می نگرد. فوکو با آثار اش نه تنها روشنفکران و دانشگاهیان غربی، بلکه دگر اندیشان شرقی و به خصوص ایرانیان را تحت تاثیر خود قرار داد، حال با این توضیحات، به کنکاش دقیق تر ماهیت انسان فوکو در آثار پوستر بیژن صیفوری، طراح گرافیک معاصر ایرانی، پرداخته و تاثیر اندیشه های فوکو، به صورت موردی در آثار این هنرمند بعد از انقلاب اسلامی بررسی شده است. این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و به شیوه ی کتابخانه ای در پی پاسخ به این سوالات است؛ آیا تحولات گسترده سیاسی- اجتماعی- مذهبی- هنری در ایران سه ده ه اخیر، ارتباط انسان فوکویی و انسان ایرانی نقش بسته در گرافیک معاصر را بیشتر نموده یا کمتر آیا در آثار بیژن صیفوری نظریه ی مرگ انسان فوکو صدق می کند یا خیر با مطالعه ی اندیشه های فوکو و جستجو برای چگونگی باز نمود انسان فوکویی در آثار پوستر بیژن صیفوری، به عنوان بررسی استقراء ی به نظر می رسد که در نهایت ما شاهد همان انسان ایرانی ابژه ی دانش قرار گرفته در پوسترهای وی هستیم.

## کلمات کلیدی:

میشل فوکو، انقلاب اسلامی ایران، بیژن صیفوری، پوستر، انسان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/798336>

